

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ اگست ۲۰۲۱

داستان اسارت "اسماعیل خان" و سقوط ولایات غربی!

(۲)

شنبه ۲۳ اسد ۱۴۰۰ - کابل:

۲- دیدگاه مقابل طرفداران "اسماعیل خان" یعنی آنهایی که معتقد اند، "اسماعیل خان" از همان آغاز بخشی از پروژه تسلیمی شهر هرات به طالب بود و صرف به منظور خنثا ساختن خیزش های مردمی ضد طالب که می رفت تا از درون آنها کمیته های دفاع از خود در تقابل با دولت دست نشانده و طالب عرض اندام نماید، با لباس های اتو کشیده و ریش درازش وارد شده، به وسیله رسانه های مزدور و تبلیغاتی های بی وجدانش بر گرده مردم سوار گردید، در کل وارد صحنه شده بود، خود به همان کاری دست زد که جهت انجامش انتخاب شده بود، یعنی نخست برجیش خود جوش سوار شدن و آن را مطلقاً در کنترل خود در آوردن و بعداً تسلیم شهر به طالب. با دوستانی که از این طیف تماس داشتم، جهت اثبات ادعای شان نکات آتی را مطرح می نمودند:

*- بخشی از یک واقعیت انکار ناپذیر جامعه ماست که اخوانی ها یعنی تمام آنهایی که برای آنها اسلام ابزاری است جهت رسیدن به قدرت اعم از جهادیت ها و طالب، هر دو نه تنها از یک منبع آبخور فکری اسلام سیاسی ارتزاق می نمایند و مناسبات شان بر مبنای قدمت زمانی در زمینه قدرت رابطه پدری و پسری را بازتاب می دهد، بلکه هر دو جناح یعنی هم جهادیت ها و هم طالب از لحاظ مناسبات و روابط بین المللی شان بخشی از ارتجاع منطقه و بخشی از ناتوی اسلامی می باشند. بر همین مبنای ارتجاع منطقه به سرمدمداری استخبارات نظامی پاکستان یعنی "آی. اس. آی." هیچ گاهی نمی خواهد تا این سرمایه های معنوی و مادی شان را یا خود آسیب برساند و یا هم بگذارد تا یک دیگر شان را سر ببرند.

*- گذشته از این که چنین رابطه ای را طالب در بار اولی که دستش به "اسماعیل خان" رسید در عمل به اثبات رسانید، پاکستان، ارتجاع منطقه و امپریالیسم با درس آموزی از حاکمیت طالب در بار اول، متوجه این نکته شده اند که حاکمیت تنهایی بر افغانستان به همان میزان که ضد انسانی، ارتجاعی و عقب مانده است به همان میزان باعث رسوائی بادران نیز شده، احتمال خیزش های مردمی علیه آنها و در کل در صد ناکام ساختن پروژه را بالا می برد. آنها با درس آموزی از تجارب گذشته به این نتیجه رسیده اند که جهت ایجاد یک اداره تقریباً فریبده تر در کابل و ولایات، نیاز دارند تا در کنار طالب به مثابه خدای خشم و کشتار، چهره های فعلاً خنثائی از قماش "اسماعیل خان" را نیز در کنار خود داشته باشند، تا در اداره امور در کنار و همدست با طالب در جهت تأمین سلطه امپریالیسم بر افغانستان و منطقه شمشیر بزنند.

*- تسلیمی همزمان دو ولایت همجوار با هرات یعنی بادغیس و غور که از یک جانب عمدتاً به وسیله آن بخش از جمعیت اسلامی اداره می شد که با "اسماعیل خان" نزدیک بودند و از جانب دیگر در این اواخر رابطه خیزش های مردمی بین آنها به موازات همدیگر پیش می رفت، مبین آن است که "اسماعیل خان" نه تنها خود در هرات با میل و رغبت خودش را به طالب تسلیم نموده، بلکه مشوره ها و هدایات لازم را نیز جهت تسلیمی بدون خونریزی آنها به طالب، شخصاً صادر نموده است.

*- روند کلی قضایا در سرتاسر افغانستان، واضح می سازد که امپریالیسم امریکا تصمیم گرفته تا اداره افغانستان آینده را به اسلام سیاسی واگذار نموده، جواسیس تکنوکرات به خصوص آنده را که چون "غنی احمدزی" باعث رسوائی خودش و امپریالیسم گردیده اند عجالتاً از کار برکنار نماید. مطالعه نفس همین روند، باز هم دلیل دیگریست که "اسماعیل خان" در جریان قرار داشته و خودش به میل خودش خود را تسلیم نموده است.

*- رقابت افسار گسیخته ای که بین جواسیس تکنوکرات و جهادپرست ها در گذشته در اسلام پناهی و مسلمان نمائی وجود داشت، اینک کاملاً به صورت آشکار در تسلیم شدن به طالب و سبقت جستن یکی از دیگری در این زمینه تبارز نموده است، زیرا هر دو طیف می خواهند تا منافع شخصی، خانوادگی و قشری خود را حفظ نمایند، "اسماعیل خان" با زرنگی خاصی که در این زمینه داشت و دارد نمی خواست منافع شخصی و خانوادگی اش را فدای ضدیت با طالب نماید از همین رو شخصاً به طرف طالب رفته، خود را تسلیم و مقاومت خودجوش تازه پای را آسیب رسانیده است. هموطنان گرامی!

آنچه در هرات اتفاق افتاد نه آغاز همکاری جهادپرست ها با طالب است و نه هم آخر آن خواهد شد، بلکه این روند همچنان ادامه خواهد یافت، مخالفت های کنونی افرادی از قماش "دوستم، عطاء، محقق، خلیلی، عبدالله، برادران مسعود و فرزندش" و بقیه داعیان اسلام سیاسی، امتناع از فروش خودشان نیست بلکه جگره بالای نرخ خرید است، مطمئن باشید به محض آن که در تعیین قیمت با هم کنار آیند، آنها نیز دستان شان را بالا برده، به طالب تسلیم خواهند شد، امری که امروز اتفاق نیافتاده، مطمئناً فردا اتفاق خواهد افتاد. هموطنان گرامی!

همان طوری که از اول معلوم بود، امپریالیسم امریکا جهت تحقق اهداف خودش بر کشور ما لشکر کشیده صد ها هزار تن را مقتول و میلیونها تن دیگر را آواره و یا زخمی نمود، آنها نه آن زمان با طالب مشکل داشتند و نه هم حالا با آنها مشکل دارند، طالب ساخت و تولید مستقیم فابریکه های جنایتکار سازی آنها می باشد از همین رو تصمیم دارند تا افغانستان را دو دسته به آنها تقدیم نمایند، تنها چیزی که امریکا از طالب خواسته است، حفظ اردوی وابسته به امریکا و نوکران زرخریدش در آنجاست، خواستی که روند قضایا نشان می دهد، طالب با آن هیچ مشکلی ندارد. یعنی در حالی که فردی مانند "خاشه خوان" را صرف به جرم اهانت به رهبرانشان اعدام می نماید، افراد اردو را جیب خرجی داده روانه خانه هایشان می نماید.

من و تو هرگاه نمی خواهیم مقدرات ما را ارتجاع منطقه زیر نام طالب رقم زند، می باید خود به میدان آمده با ایجاد کمیته های دفاع از خود و گسترش عمودی و افقی آنها، در این نبرد هستی ساز مرگ و زندگی جهت تعیین سرنوشت مان برزمیم.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزءلایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!